



بزغاله خانم یتیم است  
یعنی که مادر ندارد  
تنهای تنهاست طفلک  
خواهر، برادر ندارد.

گفتند: «مامان او را  
یک گرگ وحشی دریده»  
بابایم او را دو شب پیش  
از پیرمردی خریده.

او باز هم کرده انگار  
مامان خود را بهانه  
چون می‌زند جیغ دائم  
با مع مع کودکانه.

بزغاله خانم! نزن جیغ  
مامان من، مادر تو  
تو دختر خوب او باش  
من می‌شوم خواهر تو.

# بزغاله خانم یتیم است...

تأملاتی در شعر کودک با نگاهی به یک شعر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

فاطمه قائمی



از نمایشگاه کتاب برای دختر کوچولوی دو ساله‌ام چند جلد کتاب خریدم. اشتیاق کودک برای ورق زدن و مشاهده‌ی تصویرهای کتاب بسیار جالب بود. در تمام مسیر کاملاً با کتاب‌ها مشغول بود و منزل هم که رسیدیم، بساط بزرگی درست کرد و تمام کتاب‌ها را دورتادور چید. قبلاً برایش زیاد کتاب خوانده بودیم و تقریباً عادت داشت که از ما بخواهد کتاب‌ها را برایش بخوانیم. میان کتاب‌هایی که خریده بودیم، چند تایی هم کتاب شعر بود؛ شعر کودک، با قید گروه سنی الف و پیش از دبستان روی صفحه‌ی شناسنامه. البته درست است که دو سالگی، شاید برای قرار گرفتن در گروه سنی الف قدری زود باشد، ولی بالاخره شعر به‌دلیل ریتمیک و آهنگین بودن، قابلیت‌هایی دارد که کودکان هر گروه سنی را به ایجاد ارتباط با متن خوانده شده ترغیب می‌کند.

به دستور کودک دو ساله گردن نهادیم و دو تایی - من و پدرش - شروع کردیم به خواندن کتاب‌ها، به‌ویژه کتاب‌های شعر که قطعه‌های کوچکی داشتند و با آستانه‌ی تحمل کودک دو ساله هم‌خوان بودند. هنوز دو سه قطعه شعر نخوانده بودیم که به شعر عجیبی رسیدیم با عنوان: بزغاله خانم. شاعر چنین سروده بود:

شعر را تا آخر ادامه ندادیم و سعی کردیم حواس بچه را منحرف کنیم، چرا که متأسفانه تا جایی که گرگ وحشی مادر بزغاله خانم را دریده بود، جلو رفته بودیم. با دیگر شعرهای این مجموعه - که از ذکر نام شاعر و نام مجموعه و نام ناشرش که ناشر معتبری است و کتابهای بسیار فراوان دیگری چاپ کرده است، صرف نظر می‌کنم - کاری نداریم که در همان پنج شعر دیگر کتاب هم ایرادات فراوانی به چشم می‌خورد. در شعر، شاعر در صدد است مفهومی انتزاعی مانند «یتیم شدن» را برای کودک پیش دبستانی تشریح کند. به همین منظور او نه از یتیم شدن یک کودک، بلکه از یتیم شدن بزغاله‌های سخن می‌گوید که به خیر و خوشی، یک گرگ وحشی مامان او را دریده است. در این شعر، علاوه بر واژه‌ی «یتیم شدن»، واژه‌های دیگری مانند «دریدن»، «طفلک»، «جیغ دانم» و «بهبانه» وجود دارند که جزو مخزن واژگان کودک گروه سنی الف نیستند. آیا شاعر، شعر خود را پیش از انتشار (که متأسفانه اکنون در این مجموعه با پنج هزار نسخه به شمارگان دوم رسیده است)، به یک متخصص روان‌شناسی کودک و یا یک استاد علوم تربیتی در رشته‌ی پیش دبستانی نشان داده است و به فرض، اگر این کارشناسان، مجوز قرار دادن صحنه‌ی فجیع دریده شدن مادر بزغاله خانم را برای جور شدن ماجرای یتیمی صادر کرده باشند، آیا شاعر محترم، شعر خود را در جمع یک گروه شاهد پنج - شش نفری خوانده و بازخوردهای لازم را از آنان گرفته است؟ روش خواندن متون داستانی و نیز قرائت شعر برای گروه‌های شاهد و گرفتن نظرات کودکان، اکنون چند سالی است که در تمام دنیا، به‌عنوان روشی علمی و قابل قبول به اجرا در می‌آید. در ایران نیز کارشناسان شورای کتاب کودک در تولید فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوان، از گروه‌های گوناگون کودک و نوجوان برای خواندن (و یا شنیدن) متن فرهنگنامه استفاده می‌کنند و تنها پس از اعمال نظرات تمامی آن‌هاست که اجازه می‌دهند هر کدام از شرح واژه‌ها (یا همان مقالات) در فرهنگنامه راه یابند.

خیال‌انگیزی، عنصر اصلی در شعر کودک است. شعر با خیال‌انگیزی خود باید بتواند به کودک کمک کند، تصویرها و یا به عبارتی تابلوهای زیبا و فراوانی را از شعر در ذهن خود ترسیم کند. در این شعر، به غیر از تصویر گرگ وحشی که مادر بزغاله خانم را می‌درد و نیز تصویر جیغ مکرر این حیوان، کودک چه تصویرهای دیگری می‌تواند در ذهن خود مجسم کند. دو قطعه‌ای اول و آخر، اساساً فقط بازی با کلمات‌اند و تصویر خیال‌انگیز قوی و پر حرارتی ایجاد نمی‌کنند؛ همانند کل شعر که به نظر می‌رسد، شاعر با وجود موفقیت در ایجاد ریتم و نیز تقید به قافیه، در بعضی جاها از جمله هم‌قافیه کردن «دریده» و «خریده» از لحاظ مفهومی به خطا رفته باشد.

یادداشت و یا به عبارتی دل‌نوشته‌ی مادرانه‌ی خود را با طرح چند پرسش به پایان می‌رسانم و امیدوارم رشد آموزش پیش دبستانی، در مقام نشریه‌ای تازه متولد شده که از توان کارشناسی بالایی برخوردار است، بتواند با دامن زدن به این مباحث، نقش خود را در زمینه‌ی تصحیح رفتارهای تولیدکنندگان آثار مرتبط با کودکان پیش دبستانی، ایفا کند. هم‌چنین، امیدوارم کارشناسان به پرسش‌های پاسخ‌های مناسبی بدهند:

- تا چه اندازه می‌توانیم در شعر کودک از پرداختن به مفاهیم خشن و نامناسب با سن کودک (مانند مرگ، طلاق و...) خودداری کنیم؟ آیا شعر کودک، باید شعری پاستوریزه و پاک و منزّه باشد یا آینه‌ی تمام‌نمایی از جامعه‌ای که کودک در آن زندگی می‌کند؟

- نظارت تربیتی و تطبیق کارشناسی آثار مرتبط با کودکان و نوجوانان یا مباحث روان‌شناسی و علوم تربیتی، وظیفه‌ی چه نهاد و یا چه کسی است؟ آیا ناشران به ایجاد شورای کارشناسی ملزم هستند؟ در این زمینه دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه‌هایی که در رشته‌های علوم تربیتی از جمله پیش دبستانی فعال‌اند، چه وظیفه‌ای دارند؟

- نویسندگان و شاعران کودک برای آگاهی از مخزن واژگان و نیز واژگان پایه‌ی کودکان پیش دبستان و نیز دانش‌آموزان سایر پایه‌ها، آیا باید شخصاً پژوهش کنند؟ وظیفه‌ی آموزش و پرورش در این زمینه چیست؟ آیا نمی‌توان نتایج پژوهش کلان و ملی تعیین واژگان پایه‌ی کودکان ایرانی را که با صرف هزینه‌های فراوان انجام شده است، در اختیار ناشران و پدیدآورندگان قرار داد؟

- انجمن‌های تخصصی مرتبط با کودکان، در زمینه‌ی غربال کردن آثار موجود و معرفی آثار برتر چه وظیفه‌ای دارند؟ چه کار باید کرد تا کتاب‌های دارای آثار سوء تربیتی (از جمله کتاب شعری که به‌طور اجمالی بررسی شد)، به نحو مقتضی به مردم شناسانده شوند؟

پیشگاه علوم انسانی  
پرتال جامع علوم انسانی

